

افغانستان قطاری از خط خارج شده !

« شمارد زخم های مان را و ما این - محبت را غنیمت می شماریم !»

مهدی اخوان ثالث م.امید

پیوسته به گذشته : بخش دوم



نوشته ای از محمد امین فروتن

آنچه که در ادامه ء این نوشته مرور خواهید کرد :

۱ : پس از یک مقدمه کوتاه مروری به مسأله ماهیت **کار**، و **کار** به اهلش سپردن ! و جاگزینی

اصل «**رفاه**» بجای «**کمال و معنویت**»

۲ : انجام اصلاحات ساختاری ! و تمییز این واقعیت که چگونه اصلاحات و به نفع کدام نهادی ؟

۳ : آیا **اسلام** راه حل است ؟ چرا و چگونه ؟

۴ : آیا با استفاده و کارگیری شیوه ها و میتود های معمول در کشورهای جهان سومی با تغییر و

جابجائی مهره ها در یک نظام سیاسی میتوان اصلاحات عادلانه را در جامعه افغانی نیز عملی سا

خت ؟

نخستین بخش این نوشتار که با تیتر «شب بخیر روشنفکران عزیز» خدمت شما خواننده گان ارجمند تقدیم شده بود با جملاتی خاتمه بخشیده بودیم که این جماعتی از شیفتگان که عقلشان به شکم شان چسبیده است به نیرو و فراست نبوغ آمیز شان!! باور پیدا کرده و به زعم خویش به کشف عمیقی رسیده اند که جهان را باید

با تمامی واقعیت هایش مشاهده کرد و جمع کردن « ثروت صد در صد حلال !! » از فیوضات پروردگار بزرگ دانسته میشوند. و همین برکات و فیوضات الهی!! سبب شده است که در گذشته مشقات و زحماتی از سفر چند روزه و چند ماهه حتی یکساله که یک مرد و گاهی هم زنی برای اجرای حج بیت الله شریف و کسب القاب نامه های « حاجی صاحب و بی بی حاجی و حاج آغا !! » در راه سفر به بیت الله شریف و اقع در مکه مکرمه عربستان متحمل می شدند امروز با یک هواپیمایی بوئینگ به مکه می آیند و آنجا با دل آرام و قلب مطمئن در هتل های پنج ستاره و استراحتگاه های مجلل !! مراسم حج بیت الله شریف را اجرا و به انجام میرسانند و پس از انجام این مراسم و مناسک تشریفاتی با دست های پُر از سوغاتهای مُتبرک و بُشکه های از آب زم ، زم که نشانه و تنها مدرک انجام این مراسم دینی و عبادی محسوب میشوند با عالمی از قصه ها و داستان های این سفر که گوئی حاج آغا از « معراج » برگشته و اجلال نزول فرموده است به دهکده ای که وی از آن احرام سفر بسته بود بر میگردد . جان کلام آنگاه و آنجاست که حتی آدم های نیمه روشن و گاهی هم عالم با بازگشت از این « سفر متبرک » و معنوی ، همچون روضه خوانان و قصیده سرایان اجاره ای با لحن بُغض آلود و جذاب مرثیه ها و روضه های بی ربطی رامیسرایند. و این حاج آقای تازه برگشته از سفر « حج سیاحتی! » خود را تنها سخنگوی مذهبی میداند که قلمرو نفوذ و حاکمیت فکری اش تنها در قلمرو « طهارت و نجاست » و « وضو و غسل » خلاصه میشود و بس !.

شگفت انگیز است که میان این گروهی از حاج آقا های پول پرست که زیارت نامه ها، دعایه های مجعول و اوراد مجهول و یکنواختی را دکتورین اصلی حصول «**ثروت و قدرت**» ساخته اند و این «**اذکار و اوراد !!**» توهم زأ ! را با سرسختی ، تحجر و اعمال استبداد مذهبی نسخه ای برای نجات بشر می شمارند و همراهان و همکاران چپ گرایی شان نیز که شعار تحقق جامعه بدون طبقات و تقسیم عادلانه ثروت را به اساس یادداشت ها و نسخه های که برای جوامع دیگری و در شرائط دیگر تاریخی و اجتماعی تجویز شده بود بصورت دگماتیک و متحجرانه بدون شناخت از بیماری های عمومی ی بیمار ، از اقلیم دیگر و در عصر دیگری سفارش می نمایند !!.

بگذریم از اینکه خوش باوران نسل کنونی ما در هردو حوزه اندیشه های « مذهبی و یا هم لائیک مادی گرا » هنوز هم هویت دوران جنگ سرد را حمل میکنند و با ترمنولوژی دوران معرکه باهم زور آزمائی های مصنوعی انجام میدهند .

میگویند : شخصی که سخت عاشق پول و ثروت بود، ناگهان سخته کرد و در بستر مرگ افتاد. خانواده و تمامی کسانی را که برگرد اش نشسته بودند مورد خطاب قرار داد و گفت هر گاه بروی قبرام تخته سنگی را می گذاری روی آن بنویسید «فلانی مرده اما مغازه اش باز است!! »

با روشنی می بینیم که چگونه این هر دو مجموعه که حامل شعار های باهم متضاد ی بودند و مجموعه ای که تظاهر بر ثروت و دانه های غوطه خورده تسبیح در بُشکه های از آب زم زم را بهترین و مؤثر ترین

وسائل برای رسیدن به معشوق اش (پول و ثروت) استفاده میکردند و هنوز هم این فریضه الهی را بصورت ریا کارانه و با تشریفات کامل انجام میدهند و همچنان کتله نه چندان کوچکی از شبه روشنفکران چپگرایی دیروزی !! که جامعه عقب نگه داشته افغانی را نیز با یک بینیش « ضد طبقاتی و چپ مارکسیستی » اندازه گیری مینمودند ، درامر « پیشه غارتگری و ثروت اندوزی !! » پارامترهای مشترکی با همکاران شبه مذهبی شان دریافته اند ؟ و هردو گروه با بی شرمی تمام شعارمیان تهی و بدون مصرف!! « **کار به اهل کار** » واگذار ساختن را از اولویت های اصلی برنامه عمل خویش معرفی میکنند . در حالیکه این شعار « کار به اهلش سپردن » از همان اول معیوب به دنیا آمده و از سوی نخبه گان مصنوعی و شبه روشنفکران جامعه ما وجهانی پیرامون مانیز بصورت وارونه مطرح شده است. زیرا نه میتوان در یک سیستم طبقاتی مافیائی چنین شعار معیوب را مطرح ساخت. کار که یک اصطلاح عام است و با ماهیت آن که از جنس اهلیت است معنی پیدا میکند . لهذا کاملاً طبیعی است که ریشه های ماهیت نیز با تناسب با مطالعه هویت و شناخت حقیقی از انسان این موجود اجتماعی و تاریخی برای ما روشن میگردد . خلاصه اینکه نه میتوان با تحقق شعار « کار به اهلش واگذار کردن » بصورت مجرد و انتزاعی مشکل یک جامعه عقب نگه داشته شده و استبداد زده راحل کرد. زیرا ابلاغ و سردادن چنین شعارها احتیاج به یک بینیش مکتبی جامع الاطرافی دارد تا بتواند به کمک آن شعار « **کار به اهل کار سپردن** » بتواند تفسیرپذیری منطقی پیدا نماید و هم « **اعتقاد** » و « **معتقد** » بیا فریاد درغیر آن هیچ شعاری و قرار دادی " ضرورتاً " تحقق پیدا نه میکند . شعار « **کار به اهل کار سپردن** » در یک سیستم مافیائی که بصورت تیوریزه « هویت تاریخی » و « تمدنی » جوامع عقب مانده منجمله افغانستان را منهدم میسازند ، مطرح ساختن چنین شعار ها خود یک تناقض بزرگ در حوزه عملی و هم چنان در زمینه های نظری در راستای تلاش ها برای ختم بحران در جامعه افغانی محسوب میشود. « کار به اهل کار سپردن » در حوزه ختم بحران و ایجاد آرامش همه جانبه در جامعه شعارپوچ و پوک است و هیچگونه مشکل جامعه افغانی را حل نه خواهد کرد. زیرا تا ما دامی که با نگاه به مسائل عمده جامعه بویژه مسأله « نا برابری عمومی اعم از اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی » تغییر زیر بنائی و بنیادی بوجود نه آید و به مسأله انهدام ارزش های تاریخی ، مذهبی و فرهنگی جامعه افغانی بحیث یک پروژه نگریسته شود و همچنان قوانین بر روی خرابه های ویران فقر و گرسنگان و بیسوادان در درون قصر ها و کاخ های زورگویان و جباران با نگاه و بینیش غیر بومی و استعماری وضع شوند و وضعیت موجود همچنان ادامه خواهد یافت. سوالی اساسی ای که نزد هر اندیشمند متعهدی بوجود می آید این است که اولاً کدام کار ؟ و ثانیاً چگونه اهلیتی و برخاسته از کدامین جهان بینی و برای کدامین هدفی ؟ زیرا با وضاحت و روشنی می بینیم و در امتداد تقریباً یازده سالی که از « **عمر مبارکه نظام مافیائی !** » سپری می شود بر این واقعیت تلخ در جامعه ما صحنه میگذرد که علی الرغم سرازیر شدن صد ها میلیارد دالر پول نقدی که از سوی جامعه جهانی در کنار پول ها و هزینه های گزاف نظامی و تسلیحاتی به افغانستان سرازیر شده است ، با درد و دریغ که کشور و مردم ما افغانستان به " **کاسه** »

گدائی ! " رسیده اند . ! وبه یقین که با سرازیر شدن هزاران میلیارد دالر ثروت به این گودالی از گدائی داستان غم انگیز فقر ، بیسوادی و نا امنی عمومی خاتمه نخواهند یافت . طبیعی است که در چنین اوضاع و احوال جامعه و ویروس زده افغانی بصورت کاذبانه و مصنوعی و با صدور اسناد و مدارک جعلی « کار به اهل کار !! » سپرده میشود و با بلند بردن سطح دروغ ، تزویر و لاف زنی که خاصه و نظام مافیائی شبه بازار آزاد معاصر سرمایه داری است از میزان کیفیت کار در حوزه « اهلیت !! » بصورت شبه قانونی کاسته میشود .

ادامه دارد

۹ / سپتمبر سال ۲۰۱۲ مطابق ۱۹ سنبله ۱۳۹۱